

امنیت پایدار در مکتب حضرت امام خمینی(ره)

علی اکبر علیزاده برمی^۱

محمدعلی رحمانی^۲

چکیده

دستیابی به امنیت از مهم‌ترین کشش‌ها و انگیزه‌های انسانی است که با جوهر هستی انسان پیوندی ناگسستنی دارد. حفظ ذات و صیانت نفس و رسیدن به آرامش و اطمینان از اساسی‌ترین میل‌های انسان است. اگر امنیت را یکی از مهم‌ترین وظایف و کارکردهای دولت‌ها در تمام عصرها و سرزمین‌ها بدانیم، دستیابی به امنیت پایدار، بزرگ‌ترین دغدغه هر نظام سیاسی است که در تلاش است به آن دست یابد.

این تحقیق با هدف بررسی افکار و اندیشه‌های امام خمینی(ره) درباره امنیت پایدار انجام شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که امنیت پایدار از دیدگاه امام خمینی(ره) چیست؟

نوع این تحقیق کاربردی - توسعه ای است و به روش تبیینی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و فضای مجازی (اینترنت) انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که امام خمینی(ره) متأثر از رویکرد هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه خویش و بر اساس آموزه‌های اسلامی، اعتقاد دارد که انسان خلیفه خداست که از روح خدایی در او دمیده شده است و تمام خصوصیات خداوند را دارد. او دارای فطرتی پاک و عدالت‌طلب، نوع‌دوست و خداجوست و به دنبال کمال مطلق است. امنیت پایدار در این جهان‌بینی و از دیدگاه امام خمینی(ره)، در ایمان به خدا، خوف از خدا و اتکال به اوست که به دنبال خود الهی کردن مبارزات، اداره جامعه به وسیله رهبران الهی، ترویج فرهنگ جهاد و شهادت‌طلبی، حضور مردم در صحنه و ارتباط صمیمانه نیروهای مسلح با مردم و بالعکس را در دولت و جامعه در پی دارد و این مسائل سبب رسیدن به امنیت پایدار می‌شود.

واژگان کلیدی

امام خمینی، امنیت، امنیت پایدار، مکتب امام خمینی

۱. دکتری علوم دفاعی راهبردی از دانشگاه عالی دفاع ملی
۲. دانشجوی علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه

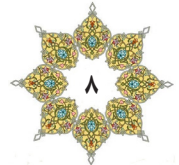
بی‌گمان امام خمینی(ره) را می‌توان یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های نوپرداز فکری، علمی و سیاسی-اجتماعی ربع پایانی قرن بیستم دانست که شعاع نفوذ و تأثیر اندیشه و کردارش فقط به جغرافیای سرزمینی ایران و جغرافیای تشیع محدود نشده، بلکه گستره جهان اسلام و مستضعفان را درنوردیده است و به رغم گذشت بیش از دو دهه از رحلت ایشان، هنوز در محافل فکری و مجامع خبری-تبلیغی داخلی و خارجی، بحث و گفت‌وگو درباره مبانی، خاستگاه، ویژگی‌ها و پیامدهای آرا و رفتار ایشان موضوعی کانونی است و سالیانه تعداد بی‌شماری اثر در ابعاد گوناگون و زوایای مختلف اندیشه و رفتار ایشان در دانشگاه‌ها و مراکز علمی جهان نوشته می‌شود. این مهم نشان می‌دهد که هنوز ساحت‌ها و حوزه‌هایی از نکته‌های ظریف گفت‌وگویی ایشان باقی است که به مذاقه و واکاوی علمی نیاز دارد.

ایشان در مقام رهبر و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در ایران، به نظریه‌پردازی و ایده‌پردازی در خصوص شالوده‌ها و مبانی نظری و علمی جمهوری اسلامی پرداخته‌اند. مبانی نظری و علمی دستیابی به امنیت پایدار از جمله این شالوده‌هاست که برای تبیین آن کمتر به آرا و اندیشه‌های امام خمینی(ره) استناد یا از آن بهره گرفته شده است. این غفلت در صورت تداوم می‌تواند به یکی از مهم‌ترین آسیب‌پذیری‌های جمهوری اسلامی در بعد امنیت ملی تبدیل شود. از این رو این تحقیق رسالت خود را تبیین و ترویج نگاه امام خمینی(ره) در موضوع انسان و دستیابی به امنیت پایدار و مقایسه آن با دیدگاه نظریه‌پردازان غربی قرار داده است.

این تحقیق می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که امنیت پایدار در مکتب امام خمینی(ره) چگونه است و راه‌های رسیدن به آن کدام است؟ دیدگاه ایشان چه تفاوت‌هایی با دیدگاه نظریه‌پردازان غربی درباره امنیت پایدار دارد؟

این تحقیق بر این مفروضه مبتنی است که مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی متفاوت امام(ره) از خاستگاه دینی و مذهبی ایشان نشئت می‌گیرد که باعث ظهور دیدگاه و نظریات کاملاً متفاوتی درباره انسان، امنیت، امنیت پایدار و راه‌های وصول به آن توسط ایشان شده است و تبیین آن، تحول بسیار مهمی در دستیابی به امنیت پایدار در جهان ایجاد می‌کند.

نوع این تحقیق کاربردی-توسعه‌ای است و به روش تبیینی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و فضای مجازی (اینترنت) انجام شده است. بدین منظور کتاب



صحیفه نور امام خمینی (ره) مرجع اصلی بوده است. این مجموعه ۲۲ جلدی مجموعه بیانیه‌ها، پیام‌ها، فرمان‌ها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های سیاسی- اجتماعی و فرهنگی امام خمینی (ره) از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۸ را شامل می‌شود.

ادبیات موضوع

دستیابی به تعریفی جامع و مانع از مفهوم امنیت، به‌رغم تلاش‌ها و مجاهدت‌های علمی فراوان، دشوار است. این مفهوم واجد خصایص و صفاتی است که محققان را برای دستیابی به تعریفی مشترک با دشواری‌های جدی مواجه می‌سازد.

امنیت مفهومی به شدت ذهنی و نسبی است. قدمت اندیشه درباره این مفهوم به آغاز حیات بشری و زیست اجتماعی او باز می‌گردد؛ اما مجادلات درباره امنیت از پایان جنگ جهانی دوم به بعد به مجامع آکادمیک راه پیدا کرد. با گذشت بیش از شش دهه از مناظرات درباره این مفهوم، کماکان عدم اتفاق نظر بین محققان در فهم چرستی آن، دیدگاه مشترک تلاش‌های فکری مذکور است؛ به طوری که تریف و همکارانش معتقدند: نبود تعریف واحد و پذیرفته‌شده‌ای برای امنیت و وجود رویکردهای نظری گوناگون برای بررسی آن، این پرسش را پیش می‌آورد که هر کس چگونه امنیت را تعریف می‌کند؟ به زعم مورگنتا، این پرسش پاسخ آسانی ندارد (تریف، ۱۳۷۷: ۸).

برای امنیت که در لغت به معنای «بی‌خوفی، امن، بی‌بیمی، ایمن شدن و در امان بودن» آمده است، می‌توان جنبه‌های متفاوت و متنوعی قائل شد که در هر جامعه‌ای نسبت به شناخت آن جامعه از انسان، جهان‌بینی و فرهنگ برخاسته از آن، ارزش و اهمیتی متفاوت دارد. انسان‌ها در پی برآوردن نیازهای زیستی با یکدیگر وارد مناسبات گوناگون می‌شوند و تشکیل جامعه می‌دهند. همه افراد جامعه در تلاش‌اند به خوشبختی برسند؛ در نتیجه مهم‌ترین نیاز هر جامعه، خواه یک طایفه یا قبیله یا یک قوم یا کشور، تأمین محیطی امن برای آن جامعه و افراد آن است؛ به گونه‌ای که وجود امنیت یکی از مهم‌ترین شرایط یک اجتماع سالم و پویاست.

در مکتب اسلام وجود امنیت چنان اهمیت دارد که حضرت ابراهیم (ع) قبل از هر چیز از خدا برای مکه طلب «امنیت» می‌کند (ابراهیم/۳۵). در متون اسلامی علاوه بر مبانی امنیت، تجلی مصادیق امنیت در شهر و مکان‌های دیگر نیز مد نظر بوده است. خداوند «طور» را وادی ایمن می‌نامد و به شهر امن قسم می‌خورد (بلد/۱).

در تعریف «لغوی» امنیت عبارت از «محافظت در مقابل خطر، احساس ایمنی و



رهایی از تردید است» (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲). در فرهنگ لغات، امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بدون بیم و هراس بودن آمده است. برای مثال در فرهنگ معین امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بی‌بیمی تعریف شده است (فرهنگ معین، ۱۳۶۳: ۳۵۲). در فرهنگ عمید ایمنی، آرامش و آسودگی (فرهنگ عمید، ۱۳۷۹: ۲۳۳) و در فرهنگ المنجد اطمینان و آرامش خاطر (فرهنگ المنجد، ۱۹۷۳: ۱۸) آمده است.

در مجموع می‌توان مفهوم امنیت را به مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و در مورد افراد، به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی‌ها، و مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه و در کل هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد، تعریف کرد (Wyne Jones, 1999: 102-4).

همان‌گونه که در تعریف‌های مختلف از امنیت برمی‌آید، امنیت بیشتر پدیده‌ای ادراکی و احساسی است که به طرز فکر و جهان‌بینی انسان‌ها تعلق دارد. ممکن است وضعیتی برای یک انسان و جامعه، ناامن باشد، اما همان وضعیت برای دیگران احساس امنیت را به بار آورد. با آنکه در نگاه نخست، تعریف و معنی امنیت به ظاهر ساده و آشکار می‌آید، اما «امنیت» جزو مفاهیم پیچیده‌ای است که ارائه تعریفی واحد از آن به سادگی میسر نیست. امنیت پیش از آنکه مقوله‌ای قابل تعریف باشد، پدیده‌ای ادراکی و احساسی است؛ یعنی این اطمینان باید در ذهن توده مردم، دولت‌مردان و تصمیم‌گیران به وجود آید که برای ادامه زندگی بدون دغدغه، امنیت لازم وجود دارد [یا نه] (کاظمی، ۱۳۵۲: ۱۱۷).

واژه امنیت به مفهوم رفع تهدیدها، خطر، ترس و تردید و احساس ایمنی و آرامش تعریف مبهمی است که بیشتر مناسب سطح فردی است و علاوه بر این، امنیت و احساس امنیت، دو مقوله درهم‌تنیده، ولی جدا از هم هستند، زیرا ممکن است امنیت در واقعیت وجود داشته باشد، اما بنابه دلایلی احساس امنیت وجود نداشته باشد یا بالعکس، احساس امنیت باشد اما امنیت واقعی وجود نداشته باشد (افتخاری، ۱۳۸۰: ۱۵).

بر اساس تعریف‌های فوق، شرایط و فضای امن برای نظام‌های سیاسی و جوامع مختلف متفاوت است، زیرا تمامی ترجیحات ارزشی آنها یکسان نیست؛ حتی اگر برخی از این ترجیحات، نظیر بقای فیزیکی یا رفاه و آبادانی و... فصل مشترک همه آنها باشد. برداشت‌های مختلف از مفهوم امنیت به علت تفاوت در نگاه مکاتب به انسان، جهان



و هستی است. جهان‌بینی یا جهان‌شناسی، به عبارت دیگر، تعبیر و تفسیر انسان از جهان (مطهری، ۱۳۸۳: ۷۷) زیرساز و تکیه‌گاه فکری هر مکتب و آیین، نوع برداشت و طرز تفکری است که آن مکتب درباره جهان هستی (جهان‌بینی) ارائه می‌دهد. سپس روش‌ها، راهکارها و باید‌ها و نبایدهایی که انشا می‌کند همگی از نتایج لازم و ضروری آن جهان‌بینی است. استاد شهید مرتضی مطهری درباره ارتباط انسان و جهان‌بینی می‌فرماید: «نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب درباره جهان و هستی عرضه می‌دارد، زیرساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب به شمار می‌رود. همه دین‌ها و آیین‌ها و همه مکتب‌ها و فلسفه‌های اجتماعی متکی بر نوعی جهان‌بینی بوده است. هدف‌هایی که یک مکتب عرضه می‌دارد و به تعقیب آنها دعوت می‌کند و راه و روش‌هایی که تعیین می‌کند و باید‌ها و نبایدهایی که انشا می‌کند و مسئولیت‌هایی که به وجود می‌آورد، همه به منزله نتایج لازم و ضروری جهان‌بینی است که عرضه داشته است» (مطهری، ۱۳۷۷: ۷۵).

نظریات امنیت نیز برخاسته از جهان‌بینی‌ها و نوع نگاه آنها به انسان است؛ بنابراین معنی و مفهوم امنیت از دیدگاه دو جهان‌بینی اسلام و غرب نیز متفاوت است و اگر تشابهاتی در بعضی از تعاریف مشاهده می‌شود، مشترک لفظی است. چون قصد این مقاله بررسی امنیت پایدار در مکتب امام خمینی (ره) است و اکثر نظریه‌های موجود امنیت از قول دانشمندان غربی است که انسان را در مکتب رنسانس و اومانیسم شناخته‌اند، ابتدا مروری کوتاه بر مکاتب امنیتی غرب می‌کنیم، پس از آن به بررسی مکتب فکری امام خمینی (ره) می‌پردازیم.

مروری بر رویکردهای رایج در زمینه ابعاد امنیت

هدف اساسی این بخش، آشنایی با رویکردها و دیدگاه‌های گوناگونی است که درباره ابعاد امنیت وجود دارد. این موضوع، مقدمه و تمهیدی است برای ورود به قسمت بعدی که جان کلام مقاله را تشکیل می‌دهد. در واقع به نظر می‌رسد اهمیت آگاهی از چگونگی نگرش امام به مقوله امنیت، آنگاه دو چندان می‌شود که با تأمل در رویکردهای موجود، نقاط اشتراک و افتراق آنها با نگرش امام آشکار شود.

پرداختن تفصیلی به ابعاد امنیت و تحولاتی که امنیت از این حیث به خود دیده است، مجال فراخ می‌طلبد؛ چنان که تا کنون نیز برای ادای حق مطلب، مقاله‌ها و کتاب‌های مستقلی نگارش یافته است. بر همین اساس آنچه در این بخش، وجه اهتمام



واقع خواهد شد، جمع‌بندی مختصری از روایت تحول و توسعه ابعاد مفهوم امنیت ملی از آغاز تولد تا کنون است تا مقدمه‌ای باشد برای ورود به بخش بعدی مقاله. رویکردهای عمده رایج درباره ابعاد امنیت را می‌توان در دو دسته و هر کدام را به چندین گروه طبقه‌بندی کرد که در ادامه به اختصار به هر کدام از آنها پرداخته می‌شود:

مکتب‌های عمده نظریات امنیت در جهان

۱. واقع‌گرایی

مکتب واقع‌گرایی از جمله مکتب‌های پرنفوذ و غالب برای تفسیر، توصیف و تحلیل روابط بین‌الملل و دستیابی به امنیت، پس از جنگ جهانی دوم است که در زیرمجموعه آن، نحله‌ها و مشرب‌های مختلف فکری قرار می‌گیرند. در این رویکرد که آن را مدل کلاسیک، سنتی، مبتنی بر واقع‌گرایی و ... می‌نامند و از پایان جنگ جهانی دوم تا اوایل دهه ۱۹۶۰ بر ادبیات امنیتی غلبه داشت، تنها بعد درخور توجه امنیت، بعد نظامی آن بوده است. امنیت در این رویکرد، مساوی بقا و حفظ فیزیکی نظام سیاسی و حکومت تلقی شده و تهدید امنیتی یعنی خطرهایی که از طرق ابزار نظامی متوجه جان، مال، سرزمین و حاکمیت کشورها بوده است (Lohalekar, 1991: 2). مبتنی بر این رویکرد، تهدید اصلی امنیت ملی هر کشوری تهدید نظامی بود و تنها راه مقابله با آن نیز به کارگیری سخت‌افزارهای نظامی تلقی می‌شد (میرا، ۱۳۶۷: ۳۴۴).

از نظر رویکرد و روش تحلیل پدیده‌های بین‌المللی، واقع‌گرایان، جهان را آن‌گونه که بود و هست، نه آن‌گونه که باید باشد، می‌نگرند (دویچ و دیگران، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۳۷). واقع‌گرایان معتقدند امنیت ملی مفهومی عینی و واقعی دارد و کلیت آن تجزیه‌ناپذیر است و امنیت ملی معیاری اساسی و همیشگی برای اقدامات تصمیم‌گیرندگان حکومتی است. آنها به جنبه‌های سلبی برای رسیدن به امنیت توجه دارند و دستیابی به امنیت پایدار را با نبود عامل دیگری به نام «تهدید» تعریف می‌کنند. تحلیلگران و نظریه‌پردازان این گفتمان بر بعد نظامی تأکید دارند. تلاش برای افزایش قدرت نظامی برای سرکوب و مقابله با دشمنان، راهبردی است که در آثار این نوع مطالعات امنیتی می‌توان به وفور یافت. در این دیدگاه «جنگ ادامه سیاست البته با ابزار و وسایل دیگر» به شمار می‌رود و به زمامداران توصیه می‌شود تا برای افزایش ضریب امنیتی قلمروشان و دستیابی به امنیت پایدار، در تقویت و تجهیز ساز و برگ و توان جنگی‌شان کوشا باشند (مک کین لای، ۱۳۸۰: ۱۴). مائو تسه تونگ قدرت را آنچه از



درون لوله یک سلاح بیرون می‌آید، معنی می‌کند (مک کین لای، ۱۳۸۰: ۱۵).

واقع‌گرایان به واقعی بودن جنگ به مثابه یک نیاز فطری در انسان تأکید دارند و به تولید آثار و متونی دست یازیده‌اند که از آن به «مکتب جنگ‌گرایی»^۱ یاد می‌شود. یکی از نظریه‌پردازان مکتب واقع‌گرایی هانس جی. مورگنتا است. او طرفدار اصالت قدرت در سیاست و روابط بین‌الملل است و معتقد است امنیت ملی و پایدار بر اساس قدرت تعریف می‌شود و تنها قدرت است که می‌تواند امنیت ملی را تأمین کند. او و سایر واقع‌گرایان بر بعد نظامی قدرت تأکید دارند (تهامی، ۱۳۸۴: ۸۱).

واقع‌گرایان نقطه عزیمت مباحث و استدلال خود را صیغه‌ای فلسفی می‌بخشند و توضیح طبیعت انسان را بنیاد این مکتب قرار می‌دهند. آنها با الهام از اندیشه‌های هابز که انسان را گرگ انسان می‌داند، انسان را موجودی ظلمانی، پست، بدسرشت، شریر و شهوت‌پرست می‌دانند که برای رسیدن به هدف‌هایش بر کسب قدرت و جنگ‌طلبی همیشگی، منفعت و قدرت‌طلبی دائمی تکیه دارد. آنها با توصیفی چنین از ماهیت انسان، جامعه انسانی را تیره‌گون ترسیم می‌کنند که وجه مشخصه آن، ناامنی فراگیر و مطلق و جنگ همیشگی همه علیه همه است (دویچ و دیگران، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۳۹). در چنین وضعی، جست‌وجوی امنیت، هدف اصلی سیاست خارجی دولت‌هاست. بدین ترتیب، از دیدگاه واقع‌گرایان، بقا و امنیت در نقطه کانونی منافع ملی کشورها قرار می‌گیرد و نخستین وظیفه دیپلماسی و سیاست خارجی، ارتقای امنیت ملی تعریف می‌شود.

اگرچه چندین مکتب فکری و مختلف درون واقع‌گرایی وجود دارد، ولی همه آنها شاخصه‌های مشترکی دارند که عبارت‌اند از:

۱. به نظر واقع‌گرایان، ماهیت نظام بین‌الملل بر هرج و مرج و ناامنی استوار است؛ در نتیجه دولت‌ها مجبورند به تلاش‌ها و توانایی‌ها برای تأمین امنیت ملی متکی باشند.
۲. در محیط ناامن و هرج و مرج بین‌المللی همه کشورها برای دفاع از خود توانایی‌های نظامی خود را حفظ می‌کنند؛ زیرا کشورها از میزان واقعی تهدید یا توانایی‌های بالقوه دشمنان مطمئن نیستند، با تصویر بدترین وضعیت، اصل را بر بدترین حالت می‌گذارند و خود را برای آن شرایط آماده می‌کنند.
۳. قدرت به ویژه قدرت نظامی به معنی توانایی کشور برای جنگیدن موفق یا جلوگیری از وقوع آن از طریق قدرت بازدارنده نیروهای مسلح، در منطق واقع‌گرایان، عنصری کانونی برای تأمین امنیت ملی به شمار می‌رود (شیهان، ۱۳۸۸: ۲۰-۲۷).



۲. ایده آلیسم یا آرمان گرایی

موج بعدی مطالعات امنیتی، فضای جهان را ناامن تر می بیند و دایره عوامل امنیتی را گسترده تر می یابد و آن را گسترش می دهد. این گروه که به «ایده آلیست ها یا ذهن گرایان» معروف اند، امنیت را دارای ماهیت «چندبعدی»^۱ می دانند. هانتینگتون و جوزف فرانکل در زمره ذهن گرایان هستند.

آنها امنیت ملی را با تصمیم های اقتدارآمیز تصمیم گیرندگان اصلی سیاسی مترادف می دانند. از نظر آنها، ماهیت امنیت ملی دارای مؤلفه ها و ابعاد شش گانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی است که از یکدیگر متأثر می شوند. این ابعاد لازم و ملزوم یکدیگرند و بروز تهدید علیه هریک از این ابعاد، سایر ابعاد را با تهدید مواجه می کند. این گروه نیز بیشتر بر ابعاد نظامی امنیت توجه دارند (تهامی، ۱۳۸۴: ۸۱).

برژینسکی به بهترین وجه این موضوع را بیان می دارد: «منظور من از امنیت ملی، معنی محدود آن، یعنی امنیت نظامی صرف نیست. گرچه قدرت نظامی یکی از ابعاد مهم رقابت تاریخی آمریکا و شوروی است، در عوض معتقدم امنیت ملی ملاحظات بیشتری را دربرمی گیرد؛ از جمله زمامداری سیاسی، قدرت اقتصادی، نوآوری تکنولوژیک، حیات ایدئولوژیک و غیره. تلاش برای نیل به امنیت ملی بدون عنایت به چنین ملاحظاتی چندان موثر نخواهد بود و احتمالاً به شکست می انجامد». این موج به مقتضای ماهیتش طیف های متنوعی دارد. برای مثال عده ای به ابعاد اقتصادی توجه دارند و با این شعار که «پول زبان خاص خودش را دارد» به تبیین ماهیت اقتصادی امنیت پرداخته اند و دستیابی به قدرت اقتصادی را عامل رسیدن به امنیت پایدار دانسته اند که شکل گیری نظام سرمایه داری و نفوذ روزافزون آن، نمود بارز این طرز تلقی از امنیت بود. اما رشد اقتصادی که گمان می رفت کلید حل همه مشکلات ملی باشد، به تعبیر جی. دیویس، نه تنها به حل کامل «بحران های اجتماعی» منتهی نمی شود، بلکه به علت افزایش هم زمان توقعات و خواسته های انسان، ناامنی های بی سابقه ای در پی می آورد (آندرو هول و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۲).

شعار عده ای دیگر از جمله فرانسیس بیکن این است که «دانش خود قدرت است». آنها دسترسی به امنیت پایدار را بر ابعاد اطلاعاتی و تکنولوژیکی اطلاعاتی استوار ساخته اند.



در این میان متفکرانی مانند اسویر لودگارد^۱ شاخصه‌های اصلی فضای امنیتی جهان معاصر را در «تولید انبوه ناامنی»^۲ می‌دانند (مک کین لای، ۱۳۸۰: ۱۴-۲۲). در هر حال بشر غربی هنوز برای رسیدن به امنیت پایدار راه را نمی‌شناسد؛ به همین علت در گفتمان جدید جهانی‌سازی، مبانی نظری و فلسفی امنیت مورد پرسش جدی قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که بعضی از پژوهشگران، تعریف‌ها و مفاهیم و نظریه‌های امنیتی را ناکارآمد می‌خوانند و بشر را در راه رسیدن به امنیت، همچنان سردرگم معرفی می‌کنند. رابرت ماندل^۳ در این باره چنین می‌گوید: «با آنکه ورود ایده جهانی شدن به حوزه مطالعات انسانی به سال ۱۹۶۰ برمی‌گردد، اما اکنون بشر غربی تنها راه رسیدن به امنیت پایدار را در ایده جهانی شدن جست‌وجو می‌کند و با تمام تلاش‌ها برای فهم جهانی شدن که نتیجه آن انتشار صدها مقاله و کتاب علمی در این زمینه است، هنوز مفهوم «امنیت جهانی» در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. به تعبیر دیگر، انسان معاصر در ارزیابی امنیتی جهانی شدن باز مانده و در پاسخ به این پرسش که آیا رها شدن از قید و بندهای جغرافیایی موجب ایجاد «وضعیت امن» و امنیت پایدار^۴ شده یا وی را در آستانه تهدیدی نوین قرار داده است، چیزی برای گفتن ندارد و سخت مردد است» (مک کین لای، ۱۳۸۰: ۱۳).

به گمان بسیاری از اندیشمندان، جهان امروز دچار ناامنی و بی‌نظمی است و ناامنی ماهیتی جهانی دارد. در بسیاری از نقاط جهان، اغلب مردم شخصاً این بی‌نظمی و عدم امنیت را درک می‌کنند. افزایش نزاع‌ها، افزایش تهدیدهای مرگ‌بار، بیماری‌های خطرناک نظیر ایدز، بیکاری، فعالیت‌های تروریستی و... کاهش نقش دولت‌ها در بسیج مردم و شهروندان خود، چهره‌ای از این بی‌نظمی هستند (قوام، ۱۳۸۲: ۲۰۸).

جهانی شدن به خصوص در حوزه فرهنگ و اجتماع، ناامنی جهانی را برای جوامع بشری به ارمغان آورده است، زیرا هویت فرهنگی، دینی و ملی جوامع و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی آنان، از سوی فرهنگ‌های دیگر (خاصه فرهنگ آمریکا) تهدید می‌شود (افتخاری، ۱۳۸۰: ۳۳).



مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی در مکتب امام خمینی(ره)
 ۱. مبانی هستی‌شناختی

هستی در اندیشه و نگاه امام خمینی(ره) به جهان، عالم وجود هدفدار و دارای مبدأ و معاد است. از ویژگی‌های اساسی چنین عالمی، اعتقاد به غیب و شهادت است. جهان دارای خالق مدبر و حکیم است و در سراسر عالم وجود قانونمندی که مبتنی بر عدل است، حاکم است. امام خمینی(ره) نظام هستی را نظام احسن و اکمل و جلوه حضور حق تعالی یا محضر خدا می‌دانند. در اندیشه ایشان، دنیا دار فنا و آخرت دار بقا و ثبات و زندگانی ابدی است. در اندیشه امام خمینی(ره) خداوند قادر، هادی، راعی، مدیر و مدبر جهان هستی است (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۱۴۶). در ادامه به برخی دیدگاه‌های امام خمینی(ره) درباره هستی اشاره می‌شود:

«هستی اعم از غیب و شهادت است و چیزی که ماده ندارد، می‌تواند موجود باشد» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۲۲۲).

«تمام چیزهایی که در عالم واقع می‌شود از همان جلوه است و چون همه امور، همه چیزها از اوست و به او بر می‌گردد، هیچ موجودی از خودش چیزی ندارد» (تفسیر سوره حمد، ص ۱۰۴).

در نگاه امام، سه عالم ملک، ملکوت و لاهوت از مراتب هستی هستند (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۳۹۳). عالم ملک دنیاست و عالم ملکوت، عالم غیب است که ملکات صالحه و فاسده انسان در آن ظاهر می‌شود (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۵: ۳۶۷-۶). عالم لاهوت عالم وحدت است. عالم محسوس مرتبه نازل هستی است و عالم الوهیت، مرتبه اعلای هستی و مقصد اعلی است (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۸: ۴۳۴).

به طور کلی در نگاه امام، کل هستی به عنوان یک نظام واحد، دارای اجزای مرتبط است. انسان موجود متحرک است، از مرتبه طبیعت تا مرتبه غیب، تا فنا در الوهیت... زندگی فردی و اجتماعی انسان باید با این کلیت منظم، هماهنگ شود؛ همان‌گونه که فطرت او با آن هماهنگ است. فلسفه تشریع الهی نیز هماهنگی مصالح انسان با مصالح هستی است (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۱۵۲).

۲. حقیقت انسان در مکتب امام خمینی(ره)

هر مکتبی جایگاه وجودی آدمی را از منظری تعریف کرده است و این سر عالم خلقت را از زاویه‌ای به بحث نشسته است. در مکتب امام خمینی(ره) که برخاسته از مکتب



اسلام است، جایگاه و منزلت انسان درخور تأمل و توجه است. در این مکتب انسان، خلیفه خداست^۱ که از روح خدایی در او دمیده شده است^۲ و تمام خصوصیات خدا را دارد.^۳ حقیقت انسان دارای فطرتی پاک، عدالت طلب و نوع دوست، خداجوست و به دنبال کمال مطلق است. در این جهان بینی، خدای متعال پس از خلقت آدم، راه مستقیم و غیرمستقیم و حق و باطل را به انسان نمایانده است و سپس به او اختیار داد هر راه را که می خواهد، برگزیند.^۴ «یک راه، راه مستقیم انسانیت است که این صراط مستقیم است. صراط مستقیم یک سرش به طبیعت و یک طرفش مقام الوهیت، و انسان به آنجا می رسد که در وهم من و تو ناید» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۸: ۳۲۶) و یک طرف دیگر مسیر باطل و جنبه حیوانیت انسان است که آن هم بی انتهاست و تنها با تربیت صحیح می توان او را کنترل کرد: «انسان موجودی است که سیر نمی شود، انسانی است که هواهای نفسانی اش آخر ندارد، غیرمتناهی در غضب، غیرمتناهی در شهوت، غیرمتناهی در خودخواهی. هیچ چیز انسان را سیر نمی کند مگر اینکه تربیت شود» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۵۰۴).

انسان به دلیل نامتناهی بودن در جنبه حیوانی، حتی از حیوانات هم وحشی تر می شود و وحشیگری او پایانی ندارد. «شما می بینید که این جنایاتی که الان بر بشر واقع می شود از طرف این قدرت های بزرگ، که به خیال خودشان اینها تربیت شده هم هستند، [می باشد]. این جنایاتی که از طرف این دولت ها بر بشر و بر همجنس خودشان وارد می شود، در طول تاریخ از هیچ حیوانی، درنده ای واقع نشده است. حیوان درنده هم طعمه می خواهد، آن طعمه که دستش آمد و شکمش سیر شد دیگر نمی خواهد یک عده از حیوانات را استثمار کند و تحت سلطه در آورد ... این انسان است که سیر نمی شود؛ این انسانی است که هواهای نفسانی اش آخر ندارد (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۵۰۴).

از دید حضرت امام خمینی (ره)، فصل بین انسان و حیوان توجه به مرتبه انسانیت یا حیوانیت است. ایشان ابرقدرت ها را انسان هایی می داند که تمام توجه و قدرت شان صرف حیوانیت شده است (صحیفه، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۲۶۴).

امام (ره) ایمان به مبدأ و معاد را تنها عامل بازدارنده انسان از حیوانیت معرفی می کنند که می تواند جلوی هرج و مرج را بگیرد. «تا آن نقطه اصلی که نقطه انکاست،

۱. انی جاعل فی الارض خلیفه.

۲. نفخت فیه من روحی.

۳. و علم ادم الاسماء کلها.

۴. انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا.



خدا نباشد و خوف از او نباشد و خوف از مسئولیت روز جزا نباشد، این بشر هرج و مرج می‌کند، به تباهی می‌کشد. طبع انسان این است که خلاف بکند. ... اگر سر خود باشد متعدی است؛ آن (عاملی) که انسان را به راه می‌آورد و کنترل می‌کند و راهش را معین می‌کند، دیانت است؛ اعتقاد به مبدأ و معاد است که می‌تواند انسان را بازدارد از اینکه در خلوت هم که هیچ‌کس نباشد خلاف نکند» (صحیفه، ۱۳۷۸، ج ۴: ۴۰۳).

انسان در هر دو طرف انسانیت و حیوانیت طالب کمال مطلق است، یعنی خداخواه است؛ اما بعضی کمال را گم می‌کنند و راه را اشتباه می‌روند. «خودشان هم ملتفت نیستند که این نفس توجه به کمال مطلق دارد، منتها کمال را گم می‌کنند. نفس انسان متوجه به این است که برسد به کمال مطلق. تشخیص اینکه این کمال است، آن کمال است، این اشتباه در اینجاهاست» (صحیفه، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۵۰۵).

امام خمینی (ره) جهان‌بینی غربی اومانیسم را تفکری می‌دانند که انسانیت انسان را نابود کرده است و از انسان یک حیوان وحشی و آدم‌خوار ساخته است: «تربیت غرب، انسان را از انسانیت خودش خلع کرده! به جای او یک حیوان آدمکش گذاشته است! ... غرب حیوان بار می‌آورد آن هم نه یک حیوان آرام، یک حیوان وحشی! آدمکش! آدمخوار! پیشرفت پیشرفت انسانی نیست، پیشرفت حیوانی است. تربیت انسانی نیست در غرب تربیت حیوانی است (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۷: ۵۳۵).

۳. مبانی جامعه‌شناختی

مبانی جامعه‌شناختی امام دقیقاً در راستای نگرش هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه ایشان قرار دارد. اصولاً فلسفه تشکیل اجتماع و اوج تکاملی آن یعنی جامعه سیاسی و تشکیل حکومت و کارکرد سیاست چیزی نیست جز به فعلیت رساندن استعدادهای خدادادی انسان در چارچوب و هماهنگی با نظام خلقت و هستی احسن و اکمل موجود. «نوع انسان در دنیا با معاونت و معاضدت بعضی با بعضی زندگی راحت می‌تواند بکند. زندگانی انفرادی برای هیچ‌کس میسر نیست مگر آنکه از جامعه بشریت خارج شده به حیوانات وحشی ملحق گردد و زندگانی اجتماعی چرخ بزرگش، بر اعتماد مردم به یکدیگر می‌چرخد» (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۴۶).

به عبارت دیگر «ضرورت شکل‌گیری اجتماعات انسانی و متعاقب آن تشکیل حکومت‌ها و اجرای سیاست‌ها مرتبط با نگرش هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه وی است؛ زیرا به‌رغم فطرت کمال‌طلب، حقیقت‌جو، عدالت‌خواه، جمال‌پسند و ... انسان،



این احتمال وجود دارد که در عالم طبیعت تحت سلطه قواعد طبیعی و مادی محض در آید و از هدف اصلی خلقت که همانا رسیدن به مقام «کالالوهیه» است، باز ماند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۴: ۱۸۶).

تشکیل جامعه، پاسخ به یکی از نیازهای ضروری و فطری انسان است؛ اما از دیدگاه امام، جامعه و سیاست خوب آن است که «شرایط اجتماعی مساعدی برای تربیت افراد مؤمن و با فضیلت فراهم شود» (امام خمینی، ۱۳۶۰: ۴۰) و «علاوه بر امور مادی به معنویت و حفظ و گسترش آن در جامعه توجه شود» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۴: ۲۰). «سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه را ببرد، تمام مصالح جامعه را مد نظر بگیرد و جامعه را در نظر بگیرد و اینها را هدایت بکند به طرف آن چیزی که صلاح‌شان هست، به صلاح ملت هست، صلاح افراد هست» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۴۳۳).

«در دنیای امروز، که گفته می‌شود دنیای صنعت است، رهبران فکری می‌خواهند جامعه بشری را نظیر یک کارخانه بزرگ صنعتی اداره کنند، در حالی که جوامع از انسان تشکیل شده است که دارای بعد معنوی و روح عرفانی است و اسلام در کنار مقررات اجتماعی، اقتصادی و غیره به تربیت انسان بر اساس ایمان به خدا تکیه می‌کند و در هدایت جامعه از این بعد بیشتر برای هدایت انسان به طرف تعالی و سعادت عمل می‌کند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۱۰).

در مجموع امام با تفکیک سه نوع سیاست شیطانی (ظالمانه و مبتنی بر خدعه و نیرنگ)، سیاست یک‌بعدی (عادلانه و مبتنی بر سعادت دنیوی انسان) و سیاست الهی (عادلانه و مبتنی بر سعادت دنیوی و اخروی انسان) بر این نکته تأکید دارند که تنها ذیل سیاست اخیر امید می‌رود انسان در پناه آن بتواند در صراط مستقیم مد نظر قرآن گام بردارد (نگاه کنید به: صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۳۳-۴۳ و ج ۲۱: ۴۰۵ و ج ۱: ۲۶۹).

وصول به کمال مطلق راه رسیدن به امنیت پایدار

در مکتب امام خمینی، امنیت یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداست که قلب انسان را آرامش می‌بخشد (صحیفه، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۲۶۵). در این جهان‌بینی، انسان کسب آرامش و رسیدن به امنیت پایدار و مطلق را در وصول به کمال مطلق طلب می‌کند. «آن چیزی که انسان را مطمئن می‌کند، آن خداست. آن ذکر خداست؛ بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ. آن موجودات الهی از باب اینکه پناهگاه‌شان خدای تبارک و تعالی



است، آنها اطمینان دارند. این موجودهای دیگری که طاغوتی هستند، پناهی ندارند. اینها هرچه دست‌شان بیاید و هرچه ظلم بکنند و هرچه کشورگشایی کنند ... این سیر نمی‌شود ... کاری بکنیم که این راه را، راه مستقیم را انتخاب کنیم تا مطمئن بشویم، تا خوف از ما زدوده بشود، از بین برود» (صحیفه، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۲۹۰).

حضرت امام خمینی(ره) بشر را انحصارطلب می‌دانند که تمام کمال مطلق را برای خودش می‌خواهد. ایشان علت درگیری و رابطه خصمانه بین ابرقدرت‌ها را در همین نکته می‌دانند که باعث شده است ناامنی را برای بشریت به ارمغان آورند. «دولت امریکا می‌خواهد که روسیه شوروی نباشد و خودش باشد. شوروی هم می‌خواهد که امریکا نباشد و خودش باشد و توهم این را می‌کنند که کافی است برایشان! و حال آنکه اگر تمام زمین را به یکی بدهند، می‌رود دنبال آنچه ندارد. قانع نمی‌شود به آنچه دارد. دنبال آن چیزی است که ندارد، برای اینکه عشق به کمال مطلق دارد، عشق به قدرت مطلقه دارد. تا نرسد به آنجا که اتصال به دریای کمال مطلق پیدا کند و فانی در آنجا بشود، برایش اطمینان حاصل نمی‌شود» (صحیفه، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۲۰۵).

روش‌های دسترسی به امنیت پایدار در مکتب امام خمینی(ره)
با توجه به نکات یادشده و متأثر بودن چگونگی رویکرد حضرت امام خمینی(ره) در مبانی هستی‌شناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی و تفاوت ریشه‌ای و ماهوی گفتمان امام امت و ادبیات و مطالعات امنیتی در غرب، از نگاه امام خمینی(ره) راه‌های دستیابی به امنیت پایدار دو بُعد دارد: نخست، بُعد درونی و اعتقادی؛ دوم، بُعد سیاسی-اجتماعی که هر دو برخاسته از جهان‌بینی توحیدی است. در اندیشه ایشان، امنیت درونی پایه و اصل امنیت سیاسی و اجتماعی است.

اعتقادی درونی

۱. ایمان به خدا

در مکتب امام(ره)، راه صحیح رسیدن به کمال مطلق و کسب امنیت پایدار ایمان به خدا و حیات جاودان است؛ بنابراین میزان دستیابی به امنیت با درجه ایمان انسان رابطه مستقیم دارد. هرچه ایمان بالاتر برود، احساس امنیت بیشتر خواهد شد. انسان مؤمن اگر جنگ هم بکند، اگر حوادث هم به او روی بیاورد، باز هم امنیت خود را از دست نخواهد داد. ضمن اینکه انسان با ایمان به دیگران تعدی و تجاوز نمی‌کند و جامعه با ایمان و جهان با ایمان، جامعه امن و جهان امن است.



«آن قدر اضطرابی که در سران قدرت‌های بزرگ هست، در شما اشخاصی که برای خدا عمل می‌کنید و از خدا می‌خواهید اجر را، این اضطراب نیست. این یک نعمتی است که خدا به شما داده ... نعمت طمأنینه، نعمت آرامش، نعمت سکینه قلب. اطمینان قلب، در شما گروه‌ها و در گروه‌های به نظر آنها مستضعف، هست و در آن بالاها نیست. آن بالاها، همه اضطراب است. در کاخ‌های بزرگ نشستند و غصه می‌خورند؛ شما در کوخ‌ها نشستید و آن غصه‌ها را ندارید. شما بخواهید که اضطراب نداشته باشید اول باید اخلاصتان را قوی بکنید، ایمانتان را قوی بکنید، بعد دنبال کار بروید و این اخلاص و ایمان، شما را تقویت می‌کند و روحیه شما را بالا می‌برد و نیروی شما جوری می‌شود که هیچ قدرتی نمی‌تواند مقابله بکند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۲۶۴).

۲. ذکر خدا

در مکتب امام خمینی (ره)، یکی از مهم‌ترین راه‌های رسیدن به امنیت، ذکر خداست، زیرا انسان برای کسب آرامش و رسیدن به امنیت پایدار و مطلق، وصال به کمال مطلق را طلب می‌کند.

«آن چیزی که انسان را مطمئن می‌کند، آن خداست. آن ذکر خداست؛ بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ. آن موجودات الهی از باب اینکه پناهگاه‌شان خدای تبارک و تعالی است، آنها اطمینان دارند. این موجودهای دیگری که طاغوتی هستند، پناهی ندارند. اینها هرچه دست‌شان بیاید و هرچه ظلم بکنند و هرچه کشورگشایی کنند ... این سیر نمی‌شود... کاری بکنیم که این راه را، راه مستقیم را انتخاب کنیم، تا مطمئن بشویم، تا خوف از ما زدوده بشود، از بین برود» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۲۹۰).

امام خمینی (ره) کمال‌جویی مطلق را امری فطری برای بشر می‌دانند و علت درگیری و رابطه خصمانه بین ابرقدرت‌ها را در همین نکته می‌دانند که باعث شده است ناامنی را برای بشریت به ارمغان آورند. «دولت امریکا می‌خواهد که روسیه شوروی نباشد و خودش باشد. شوروی هم می‌خواهد که امریکا نباشد و خودش باشد و توهم این را می‌کنند که کافی است برایشان! حال آنکه اگر تمام زمین را به یکی بدهند، می‌رود دنبال آنچه ندارد. قانع نمی‌شود به آنچه دارد. دنبال آن چیزی است که ندارد، برای اینکه عشق به کمال مطلق دارد، عشق به قدرت مطلقه دارد. تا نرسد به آنجایی که اتصال به دریای کمال مطلق پیدا بکند و فانی در آنجا بشود، برایش اطمینان حاصل نمی‌شود» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۲۰۵).



۳. توکل بر خدا

اتکا به خدا در مکتب امام خمینی (ره) عامل دستیابی به امنیت پایدار است که اگر روزی برداشته شود، ناامنی هم آغاز خواهد شد. ابرقدرت‌ها به دلیل اتکا به غیر خدا و تبعیت از شیطان دچار اضطراب و ناامنی دائمی هستند. «شما گمان نکنید که اتکا به ماورای خدا برای ما بتواند یک کارگشایی بکند، اتکا به خدا بکنید. اگر ما یک روز اتکای خودمان را از خدا برداشتیم و روی نفت گذاشتیم یا روی سلاح گذاشتیم، بدانید که آن روز، روزی است که ما رو به شکست خواهیم رفت... شما ملاحظه کنید الان قدرت‌های بزرگی که اتکا دارند به آن سلاح‌های عجیب و غریب خودشان، در اضطراب دارند زندگی می‌کنند. گمان نکنید که کاخ سفید یا کرملین الان آرام نشسته‌اند و با وضع آرام زندگی می‌کنند. آنها با اضطراب زندگی می‌کنند و این اضطراب برای این است که آنها تبع شیطان هستند و شیطان نمی‌گذارد که طمأنینه پیدا بشود در قلب انسان» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۶۴).

«اگر توکل به خدا در ملتی به وجود آید، باعث ایجاد یک قدرت روحی الهی، طمأنینه و آرامش در آنها می‌شود که ملت را در مقابل دشمنان قدرتمند و آنها را در همه میدان‌ها پیروز می‌کند. می‌فرماید: شما یک وقت مقابله کردید با یک رژیمی که قدرتمند بود و مجهز به همه جهازات جنگی دارای قدرت زیاد، که دنبال آن و پشتیبان آن هم قدرت‌های عالم بود. شما با دست خالی ... ملت ما تعلیمات نظامی ندیده بودند. آنها تعلیمات نظامی داشتند، اما ما نداشتیم. هیچ هم نداشتیم. در یک همچو موقعی شما پیروز شدید ... آنی که این ملت را پیش برد، آن یک قدرت غیبی بود. یک قدرت الهی بود... آن یک قدرت روحی بود که خدا داد به اینها. یک قدرت الهی و غیبی بود که این ملت را متحول کرد به یک چیز دیگر» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۲۷۳ و ۲۷۴).

«شما متّکل به خدا هستید و هر کس متّکل به مرکز قدرت باشد، قدرتمند است. حفظ کنید این معنا را، این الهیت را حفظ کنید، در عمل حفظ کنید و موافق با احکام خدا عمل کنید. در اخلاق، حفظ کنید و مطابق اخلاق الهی حفظ کنید و در عقاید هم حفظ کنید و عقاید انسانی را یاد بگیرید و توجه کنید. اگر این طور شد و همه جا این طور شد، ان شاء الله شما مطمئن باشید که هیچ کس نمی‌تواند یک همچو کشوری را آسیب به آن برساند. اخلاص و ایمان و اتکا به حضرت حق و کار کردن برای خدا سبب ایجاد رعب در دل دشمنان شده و امنیت را به اردوی مؤمنان به ارمغان می‌آورد و باعث نصرت و پیروزی می‌شود. گاهی جمعیت اینها را جوری «رعب» گاهی به «نصر» - این امر در



قرآن ذکر شده - می‌کند که به نظرشان زیاد می‌آید (انفال/۱۲۰). گاهی قدرت‌نمایی اینها ولو چیزی نیست، در نظر آنها بزرگ می‌آید. اینها همه چیز داشتند و مطمئن باشید که اگر این رعبی که خدا در قلب اینها انداخته بود، نبود، اینها می‌توانستند یک شب تمام تهران را خراب کنند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۲۷۳ - ۲۷۴).

۴. عبور از خواهش‌های نفسانی

یکی دیگر از مبانی رسیدن به امنیت پایدار پیروزی بر نفس و خواهش‌های نفسانی است. در چنین حالتی، خدای قادر همراه انسان خواهد بود و چنین انسانی از مرگ باکی ندارد و چنین ملتی دارای آرامش و اطمینان است و از حوادث دهر به خود هراسی راه نمی‌دهد. در این حال شکست ظاهری هم پیروزی است.

«شما پیروزید برای اینکه خدا با شماست. شما پیروزید برای اینکه اسلام پشتیبان شماست. شما پیروزید برای اینکه ایمان دارید. شما پیروزید برای اینکه شهادت را در آغوش می‌گیرید و آنهایی که از شهادت و از مردن می‌ترسند، آنها شکست خورده‌اند اگر هم لشکر عظیم داشته باشند. شما بر نفس خودتان پیروز شدید. شما جوانان در پشت جبهه و در بین کشور و برادران شما در جبهه، بر نفس خودتان غلبه کردید و زندگی را زندگی ابدی دانستید و این زندگی حیوانی طبیعی را ناچیز شمردید. شما الان پیروز هستید و مادامی که این قدرت نفسانی در شماست، مادامی که این ایده الهی در شماست، پیروزید، چه شکست بخورید و به حسب صورت و به حسب عوامل مادی و چه پیشرفت بکنید. پیروزی بزرگ این است که انسان بر نفس خودش پیروز باشد و بر شیطان خودش غلبه کند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۷۶).

بعد سیاسی- اجتماعی

۱. تشکیل نظام اسلامی

در رویکرد امام خمینی (ره) تشکیل نظامی بر پایه ایمان و اتکال به خدا مهم‌ترین رکن برای گسترش و تأمین امنیت پایدار بین انسان‌ها و در سطوح امنیت ملی است. ایجاد چنین نظامی باعث گسترش ایمان به خدا، تثبیت و نهادینه شدن قدرت برخاسته از ایمان در جامعه و تعمیق مبانی مشروعیت آن نظام است.

در اندیشه امام خمینی (ره) حکومت اسلامی جایگاه بسیار مهمی دارد. ایشان حکومت اسلامی را وسیله و ابزاری برای پاسداشت ارکان دیانت و صیانت از قوای



شریعت و مجرای برای جاری شدن اوامر الهی و انسداد نواهی اخلاقی و نیز سازوکار ارتقای ایمان انسان‌ها و رساندن آنها به کمال مطلوب و دستیابی آنان به امنیت پایدار می‌دانند.

«اگر- خدای نخواست- این نقطه‌ای که از اینجا شروع شده است مخالفت با تمام ابرقدرت‌ها و با تمام شیاطین عالم، اگر این نقطه - خدای نخواست- رکود پیدا بکند یا شکست بخورد، شکست همه مستضعفین جهان و همه مسلمین جهان و شکست اسلام در تمام ممالک اسلامی خواهد شد» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۱۴۶).

«حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر - ولو امام عصر باشد - اهمیتش بیشتر است» (صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۳۶۵).

از فحوای گفته‌های امام خمینی می‌توان دلیل تأکیدهای فزاینده ایشان بر ضرورت حفظ نظام جمهوری اسلامی را فهمید؛ زیرا نظام جمهوری اسلامی با کارکردهای مختلف خود، سازوکار پیاده شدن اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) و مجرای انعکاس و توسعه و گسترش آن در جهان است و با گسترش اسلام، ایمان و اتکال به خدا و گرویدن مردم به آن امنیت پایدار در افراد و اجزای جامعه آشکار و هویدا می‌شود. از منظر امام خمینی (ره)، حکومت اسلامی تغییرات ماهوی و بنیادین با سایر حکومت‌ها دارد و به دلیل همین تغییرات که ریشه در جهان‌بینی اسلامی دارد و نگاه مؤمنانه به انسان و جهان عامل آن است، تعریف امنیت، ارکان امنیت و فضای جامعه با نظریاتی که اندیشمندان غربی درباره انسان و امنیت ابراز کرده‌اند، متفاوت می‌شود. در زیر به برخی از ارکان حکومت و برپادارندگان امنیت در جامعه از دیدگاه امام خمینی می‌پردازیم:

۲. رهبران الهی

«در چنین ملتی که ایمان به خدا مبنای ارزش‌های جامعه است، رهبران جامعه نیز تغییر ماهوی با سایر کشورها دارند. رهبران چنین جامعه‌ای خود را خدمتگزاران مردم می‌دانند و برای امنیت و رفاه مردم از راحتی خود می‌گذرند و حاضرند جان خود را فدا کنند. آنها به مردم از صمیم قلب عشق می‌ورزند و متقابلاً مردم هم آنان را دوست دارند. در جامعه اسلامی بین رهبران و مردم، وحدت ملی کاملی حاکم است که باعث ازدیاد و هم‌افزایی قدرت ملی می‌شود و امنیت پایدار را نصیب جامعه می‌کند.» امام خمینی (ره) اشخاصی را لایق رهبری جامعه می‌دانند که امنیت پایدار را برای کشور به ارمغان آورند.



«باید دید حکومتی که نقطه اتکایش خداست با بشر چگونه رفتار می‌کند و آن حکومتی که نقطه اتکایش خدا نیست (گرچه مانند بنی امیه و سایر حکام ستمگر ظاهر و پوسته دینی داشته باشد) چگونه. آن را (علی علیه السلام) می‌بینیم در عین حالی که حکومت بر این همه ممالک دارد، شب‌ها بر می‌خیزد و به در خانه نیازمندان می‌رود، وضع ضَعْفَا را بررسی و رسیدگی می‌کند و می‌گوید: می‌ترسم که در آن طرف مملکت، در یمامه ... یک کسی گرسنه باشد. از این جهت خودش را گرسنه می‌دارد که مبدا سیرتر از این گرسنه‌ها باشد.

این تأثیر اتکا به مبدأ غیبی است والا او هم بشری است مثل همه. اتکای به مبدأ غیبی است که بشری (علی علیه السلام) را وادار می‌کند وقتی مطلع می‌شود سربازان معاویه خلخالی را از پای یک زن یهودی یا نصرانی ربوده‌اند، بگوید: اگر کسی در تأسف این قضیه بمیرد، حق دارد. چنین فرمانروایی است که رعیت را دوست دارد؛ چنین انسانی بشردوست است چون نقطه اتکا دارد. اتکایش به یک عالمی است ماورای این عالم. (انسان) که همه‌اش خورد و خوراک نیست، همه‌اش زندگی حیوانی نیست، مطلب دیگری هم در کار است. انسان می‌تواند مقدراتش را به کسانی که این گونه به مبدأ (خداوند) و مبادی معنوی اتکا دارند، بسپارد» (صحیفه، ۱۳۷۸، ج ۴: ۴۰۳).

۳. قوای مسلح مؤمن و مردمی

در حکومت الهی، قوای مسلح نیز از خود مردم هستند و مردم آنان را از خودشان می‌دانند و همچون فرزندانشان، قوای مسلح را دوست دارند و از آنها پشتیبانی می‌کنند. این گونه تعاملات و ارتباط‌ها، آنچنان قدرت ملی را افزایش می‌دهد که هیچ قدرتی نمی‌تواند با آنان مقابله کند.

«الان همه مردم احساس‌شان این است که از خود ما هست، هرچه هست؛ خودشان را غریبه دیگر نمی‌دانند با شما (قوای مسلح)، خودشان را خودی می‌دانند، شما را فرزند خودشان می‌دانند. باید شما به وظیفه فرزندی برای این ملت عمل بکنید. آنها هم به وظیفه پشتیبانی و پدری؛ تا این نعمت هستش شما قوی هستید، قدرتمند هستید، هیچ قدرتی هم نمی‌تواند شما را از بین ببرد (صحیفه، ۱۳۷۸، ج ۱۷: ۲۶۴).

حضرت امام خمینی (ره) وجود فرماندهان پاکدامن و متعهد در رأس قوای مسلح را عامل دسترسی به امنیت در کشور می‌دانند که تمام توطئه‌ها را خنثی می‌کنند و در هم می‌شکنند. «اگر فرماندهان پاکدامن متصدی امر باشند، هرگز برای دشمنان



کشورها امکان کودتا یا اشغال یک کشور پیش نمی‌آید یا اگر احیاناً پیش آید، به دست فرماندهان متعهد شکسته و ناکام خواهد ماند» (صحیفه، ج ۲۱: ۴۳۱).

۴. حضور مردم در صحنه

کشوری که دارای رهبران الهی، قوای مسلح مردمی و فرماندهان متعهد و شجاع باشد و به خدای قادر متعال اتکا کند، دارای رابطه‌ای عمیق و دوستانه بین مردم و مسئولان است. چنین ملتی، مردمی همیشه در صحنه دارد که انقلاب و نظام را از خودشان می‌دانند و در تمام حوادث پشتیبان دولت و ملت هستند. همه مردم در سرنوشت جامعه خویش مسئول هستند و هیچ عذر و بهانه‌ای از کسی پذیرفته نیست که نسبت به سرنوشت اداره امور جامعه اسلامی بی‌اعتنا باشد. مردم بی‌اعتنا بودن و کناره‌گیری از سرنوشت اداره امور جامعه را از گناهان کبیره محسوب می‌کنند. همه مردم خود را دخیل و سهیم در اداره امور جامعه می‌دانند و هر کس به هر اندازه‌ای که توان دارد برای سرنوشت جامعه اسلامی تلاش می‌کند. حضور تک تک مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی، به عنوان یک وظیفه شرعی، عقلی و سیاسی است و این حضور گسترده، در صحنه‌های مختلف، دشمن را ناامید و انقلاب را بیمه می‌کند. از منظر حضرت امام خمینی (ره)، «اگر مردم کنار بروند، همه شکست می‌خوریم» (صحیفه، ۱۳۷۸، ج ۱۸: ۲۴۲) و «کشور هنگامی آسیب می‌بیند که ملتش بی‌تفاوت باشند» (صحیفه، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۱۵۹).

ایشان حضور مردم در صحنه را رمز تمام پیروزی‌ها و خنثی شدن توطئه‌ها می‌دانند که در سایه امنیت ایجادشده، خط اصیل اسلام را بر ایران و جهان حاکم خواهد کرد. «حضور شما مردم عزیز و مسلمان در صحنه است که توطئه‌های ستمگران و حيله‌گران تاریخ را خنثی می‌کند. حضور شما در صحنه است که گرد یأس و درماندگی بر چهره‌های منافقین و متحدان بی‌آبرویش می‌پاشد. حضور شما مردم شجاع و با ایمان است که خط اصیل اسلام را بر ایران و به امید خدا بر جهان حاکم خواهد نمود. حضور شما مردم مؤمن و از جان گذشته است که روشنفکران غرب و شرق‌زده را برای همیشه رسوا می‌کند. حضور شما در صحنه، تمام «من»ها و منیت‌های شیطانی را کوبیده و می‌کوبد و «ما» و اخوت اسلامی را جایگزین آن نموده و می‌نماید» (صحیفه، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۴۷۳).



نتیجه‌گیری

حلقه مفقوده امنیت، همان فلسفه و نوع نگرش مکتب‌ها به جهان و انسان است. حاصل نگاه بدبینانه و حیوانی به انسان و جهان، همان نظریه‌های کنونی امنیت است که خود ناامنی را تشدید کرده و معمای امنیت را به وجود آورده است. در جهان‌بینی اومانیسم، چون ذات انسان‌ها حیوانیت و گرگ‌صفتی است و مدار عالم بر تنازع بقا و درگیری دائم قرار گرفته است، بنابراین جنگ امری واقعی، همیشگی و پیوسته است و انسان‌ها در ناامنی دائم به سر می‌برند.

در مقابل چنین دیدگاهی، نگاه الهی و اسلامی به انسان و جهان قرار دارد. این جهان‌بینی، خود به خود آرامش‌آور، اطمینان‌بخش، رشددهنده و پرورش‌دهنده برادری و صلح بین انسان‌ها و جوامع انسانی است. در مکتب اسلام، مؤمنان با یکدیگر برادرند («انما المومنون اخوه») و رسول اعظم حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) رسیدگی و اهتمام به امور سایر انسان‌ها را شرط مسلمانی می‌دانند.^۱ در چنین جامعه و فضایی جنگی به وقوع نمی‌پیوندد.

امام خمینی (ره) با تشکیل جمهوری اسلامی، کوشش کرد نگاه و جهان‌بینی و دیدگاه انسان‌ها را تغییر دهد که در آن عدل را ملاک دفاع و ظلم را ملاک حمله قرار داده است. از هر عادلانی دفاع می‌کند و بر هر ظالمی می‌تازد. راهبرد اصلی جمهوری اسلامی در تعامل با اندیشمندان و مردم جهان مبتنی بر همین دیدگاه و کوشش در جهت تغییر نگاه و جهان‌بینی آنان قرار دارد. در مکتب امام خمینی، رسیدن به کمال مطلق و خداوند متعال که از ایمان و اتکا به خدا ناشی می‌شود باعث دستیابی به امنیت پایدار و آرامش و اطمینان است. انسان مؤمن دائماً در امنیت به سر می‌برد چون خود را در محضر خدا احساس می‌کند. در این حالت شکست‌های ظاهری هم پیروزی است. اما در مکتب اومانیسم، انسان‌ها، حیوانات گرگ‌صفتی هستند که هر لحظه باید منتظر حمله دیگران و غارت و چپاول هستی‌شان باشند. بنابراین ناامنی یک خصوصیت دائمی جهان‌بینی اومانیسم است.

در جهان‌بینی اسلامی، دولت‌ها نیز هر قدر خود را به معیارهای الهی نزدیک‌تر کنند از امنیت پایدارتری برخوردار خواهند شد. در نظام برخاسته از ایمان، رهبران جامعه، خدمتگزاران مردم‌اند و مسئولیت‌ها امانت‌های الهی برای خدمت بیشتر به مردم هستند [و رهبران] برای امنیت مردم حاضرند جان خود را فدا کنند. نیروهای مسلح، پیوستگی کاملی با مردم دارند و مردم آنها را از خودشان می‌دانند و مانند فرزندان از آنها در مواقع لزوم پشتیبانی می‌کنند. فرماندهان قوای مسلح، متعهد و



مؤمن به خدا و مردم هستند؛ بنابراین با شدت و قدرت تمام توطئه‌ها را خنثی می‌کنند و با صلابت در مقابل دشمنان می‌ایستند.

در جهان‌بینی اومانیسم مسئولیت‌ها طعمه‌هایی برای غارت و چپاول مردم هستند و نیروهای مسلح عامل سرکوب هرگونه حق‌خواهی و حق‌طلبی‌اند. مسئولان کوشش می‌کنند هر روز بر قدرت خود بیفزایند تا بتوانند ملت‌های بیشتری را زیر سلطه ببرند و منابع و منافع آنان را غارت کنند. مردم در نظام‌های اومانیستی ارتباط قلبی و محبت‌آمیز با دولت‌مردان و نیروهای مسلح ندارند و در حوادث کشورشان خود را شریک نمی‌دانند.

در مکتب امام خمینی و نظام الهی، مردم حکومت را از خودشان می‌دانند و در تمام صحنه‌ها برای دفاع از حاکمیت آماده‌اند. آنها شهادت در راه خدا را فوز عظیم می‌دانند و از مرگ هراسی ندارند.

در مکتب امام خمینی (ره) حتی جنگ‌ها که به ظاهر اصلی‌ترین نماد نا امنی هستند، تغییر [تفاوت] ماهوی با سایر جنگ‌ها دارند و ماهیت کشورگشایی و تعدی و تجاوز به دیگران را ندارند، بلکه برای نجات انسان‌ها از چنگال اسارت طواغیت و استکبار و تربیت نوع انسان است.

به طور کلی در مکتب امام خمینی (ره) راهکارها برای رسیدن به امنیت پایدار شامل موارد زیر می‌شود:

۱. تعمیق و تقویت ایمان اسلامی؛

۲. عقیدتی کردن مبارزات؛

۳. اداره جامعه به وسیله رهبران الهی؛

۴. ترویج فرهنگ جهاد و شهادت‌طلبی؛

۵. حضور مردم در صحنه؛

۶. ارتباط صمیمانه نیروهای مسلح با مردم و بالعکس.

عوامل فوق در یک کل منسجم به نام نظام اسلامی، باعث همبستگی ملی می‌شود. این همبستگی ملی، قدرت ملی را تا سر حد نهایت افزایش می‌دهد. به دلیل اتکای این قدرت ملی، به قدرت لایزال الهی و خداوند قادر متعال، چنین ملتی، شکست‌ناپذیر خواهد بود. مردم و احاد ملت، با باور و ایمان به این اعتقادات، شیرینی امنیت پایدار را در عمق جان خود احساس می‌کنند. دیگر حتی حوادث ناگوار از قبیل جنگ نیز باعث ناامنی و سلب امنیت نیست، بلکه رزمندگان مجاهد مسلمان، در دل آتش سنگین و فروزان دشمن، خود را در گلستان امنیت خدا احساس می‌کند.



منابع فارسی

- قرآن کریم

- آوینی، سید مرتضی (۱۳۸۱)، توسعه و مبانی تمدن غرب، تهران: نشر ساقی، چاپ اول ۱۳۷۶، چاپ دوم ۱۳۷۷، چاپ سوم ۱۳۸۱.

- اردن، لورنس (۱۳۷۵)، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه یمینی سرخابی و محمد آشتیانی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، ناامنی جهانی، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳)، مطالعات امنیت نوین، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- تهامی، سید مجتبی (۱۳۸۴)، امنیت ملی، دکترین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی، تهران: سازمان عقیدتی-سیاسی ارتش جمهوری اسلامی.

- جمشیدی، محمد حسین (۱۳۸۴)، اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، تهران: پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی.

- خامنه‌ای (مدظله العالی)، مجموعه بیانات.

- خمینی، روح الله (۱۳۶۰)، ولایت فقیه، تهران: امیر کبیر.

- خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- خمینی، روح الله (۱۳۷۶)، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، چ ۱۶، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی: آشنایی با مکاتب و اصطلاحات عقیدتی و سیاسی، مراکز تربیت معلم صفحه.

- دویچ، کارل و دیگران (۱۳۷۵)، نظریه‌های روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی، ج ۱، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

- دیویس، تونی (۱۳۷۸)، اومانیزم، ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات مرکز.

- شیهان، مایکل (۱۳۸۸)، امنیت بین‌الملل، ترجمه سیدجلال‌الدین دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- عمید، حسن (۱۳۷۹)، فرهنگ فارسی، چ ۱۹، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- قراملکی، فرامرز (۱۳۷۳)، موضع علم دین در خلقت انسان احمد.

- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲)، جهانی شدن و جهان سوم، چ ۱، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.



- کاظمی، علی اصغر (۱۳۵۲)، روابط بین الملل در تئوری و عمل، تهران: نشر قوس.
- لویک، جان سی (بی تا)، اومانیسیم، ترجمه مهدی حجت.
- ماکیاولی، نیکولو (۱۳۶۶)، شهریار، ترجمه داریوش آشوری، نشر پرواز.
- مطهری (۱۳۸۳)، مجموعه آثار، ج ۲، چ ۱۱، انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، مجموعه آثار، ج ۲، چ ۷، انتشارات صدرا.
- معین، محمد (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی، چ ۶، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مک کین لای آردی، آر لیتل (۱۳۸۰)، امنیت جهانی رویکردها و نظریه‌ها، ترجمه اصغر افتخاری، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- المنجد فی اللغة، تهران: انتشارات اسماعیلیان، افسست از روی دارالمشرق، بیروت، ۱۹۷۳، چ ۲۳.
- میرا، ک.پ (۱۳۶۷)، «امنیت ملی در جهان سوم: نیاز به چهارچوبی جدید»، ترجمه زندیه و احتشامی، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۳، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.

منابع لاتین

- Encarta World English Dictionary (1999), Microsoft Corporation.
- Jones, Richard W. (1999), *Security, Strategy, and Critical Theory*, London: Lynne Rienner Publications.
- Lamont (1977), *The Philosophy of Humanism*. Lohalekar, D.B (1991), *US Arms to Pakistan*, New Dehli Delhi.
- <http://mahdihojjat.blogfa.com/post-62.aspx>
- <http://www.jjnet.com/archives/documents/humanist.htm>.

